

نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی

دکتر سوسن سیف *

هیات علمی دانشگاه الزهراء

معصومه اسلامی

اسلامی، معصومه، کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

چکیده

مقدمه: باورها، شناخت و اسطوره‌هایی که در اذهان افراد از جمله زوج‌ها وجود دارد در نحوه ارتباطات آنها تأثیر می‌گذارد. شناخت این باورها و نفوذ آنها را در زوج‌ها، کارکرد خانواده، در سازگاری زناشویی و تداوم این ارتباط، نمی‌توان نادیده گرفت. لذا، هدف پژوهش حاضر، بررسی کردن نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی زوج‌های که به دادگاه خانواده در مجتمع قضایی خانواده در شهر تهران، مراجعه کرده‌اند. بدین منظور ۲۰۰ نفر از میان زوج‌های که برای طلاق به این مجتمع مراجعه کرده بودند با استفاده از شیوه نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. از مودنیها سه پرسشنامه باورهای ارتباطی و سازش‌پذیری و پیوستگی کارکرد خانواده (ویرایش سوم) را کامل کردند. یافته‌ها و نتایج به دست آمده از دو بعد توصیفی و استنباطی ارائه شده است. در فرضیه اول بین مردان رابطه معنی‌دار معکوس در سطح $p < 0/01$ بین پیوستگی مردان و دو خرده مقیاس عدم تغییر پذیری همسر و کمال‌گرایی جنسی مشاهده شد و در بین زنان در سطح $p < 0/05$ رابطه معنی‌داری در دو خرده مقیاس نبود تغییر پذیری همسر و تفاوت‌های جنسیتی پیوستگی مشاهده شد. در فرضیه دوم بین باورهای ارتباطی و سازش‌پذیری کلاً رابطه معنی‌داری وجود نداشت، اما بین خرده مقیاس نبود تغییر پذیری همسر و سازش‌پذیری زنان رابطه معنی‌داری در جهت معکوس $p < 0/05$ مشاهده شد. بین باورهای ارتباطی و سازش‌پذیری مردان نیز در خرده مقیاس‌های نبود تغییر پذیری همسر و کمال‌گرایی جنسی همبستگی معکوس و مستقیم در سطح $p < 0/01$ مشاهده شد. جداول تحلیل رگرسیون برای هر کدام از متغیرهایی با رابطه معنی‌دار نیز محاسبه شد. نتایج این پژوهش

به ضرورت توجه کردن به تفکرات غیر منطقی، مختص رابطه، و استفاده کردن از کلاسهای آموزشی، جهت تصحیح این تفکرات، و به رویکردهای درمانی رفتاری-شناختی جهت سازگاری زناشویی و افزایش کارکرد خانواده تاکید دارد.

کلیدواژه‌ها: باورهای ارتباطی، کارکرد خانواده، پیوستگی، سازش پذیری.

اهداف پژوهش

با توجه به نقش و اهمیت ازدواج در شکل‌گیری خانواده و تداوم نقش آن در جامعه محقق قصد دارد تا هر چه بیشتر باورهای ارتباطی، رایج و مؤثر بر کارکرد خانواده را بررسی کند. از آنجا که هدف از تشکیل خانواده ناسازگاری، فروپاشی و طلاق نیست، اما متأسفانه افزایش روزافزون ناسازگاری و طلاق را شاهد هستیم. به نظر محقق استحکام بخشیدن به قانون خانواده، بررسی حوزه‌هایی که به اختلاف و ناسازگاری زناشویی منجر شود و نهایتاً طلاق و فروپاشی نظام خانواده که اثرات مخرب و سوء بر زوجها خصوصاً فرزندان می‌گذارد و نیز تاکید هر چه بیشتر بر ایجاد رابطه، نحوه ارتباط و کیفیت ارتباط در تداوم زندگی زناشویی تاکید بر روابط بین فردی، باورهای ارتباطی و اسطوره‌هایی که در سازگاری زناشویی و کارکرد خانواده مؤثرند، برای برگزاری دوره‌های آموزشی برای زوجها تاکید کند، شناختن، بررسی کردن و آگاهی یافتن از طرحواره‌ها و افکار اتوماتیکی، که بر امر سازش پذیری زوجها تأثیر گذار است، عمده‌ترین هدفی است که محقق را هدفمند کرد تا در حفظ این بنای مقدس گامی هر چند کوتاه بردارد.

فرضیات پژوهش

- ۱- بین باورهای ارتباطی و پیوستگی ساختار خانواده همبستگی معکوس وجود دارد.
- ۲- بین باورهای ارتباطی و سازش پذیری ساختار خانواده همبستگی معکوس وجود دارد.
- ۳- بین باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی همبستگی منفی وجود دارد.

مقدمه

در یکی از افسانه‌های قدیم یونان درباره عشق و محبت از زبان افلاطون چنین آمده است: انسان در روزگار قدیم به شکل کره بود. چهار دست و چهار پا و دو صورت داشت. تن او نیرومند و جانش سرکش بود. با سرعت خارق العاده‌ای در زمین می‌گلتید و مسافتهای دراز را در هم می‌پیچید، فکر او چنان تندرو و بلند پرواز بود که در هیچ جا توقف نمی‌کرد. می‌خواست در ظلمات جهل و ابهام نفوذ کند. از این جهت در آسمان انجمنی ساختند و آنها مشورت کردند تا شرّ او را از سر خود کم کنند، گفتگو بسیار کردند و عقاید مختلف اظهار شد. از جمله این که انسان را نابود کنند و نژاد او را از زمین براندازند، ولی این رأی با اکثریت رد شد، زیرا در خلقت انسان رنج فراوان برده بودند، عاقبت بنا شد که او را از میان به دو نیمه کنند تا ناقص شود و هیجانان او تخفیف یابد و چنین کردند. انسان دو نیمه شد. نیمی زن و نیمی مرد. از آن روز تا کنون زن و مرد در جستجوی یکدیگر هستند و می‌خواهند بدین وسیله نقص خویش را جبران کنند و به این جهت تشنجی عجیب در زندگی انسان رخ داد. آدمیان در این جستجو یکدم آرام ندارند، همیشه زن در پی مرد می‌رود و مرد به دنبال زن (اسودی، ۱۳۷۹).

ازدواج از قدیمیترین پیوندهای انسانی است، که ارضاء کننده و رشد دهنده شخصیت آدمی بوده است و اکثر افراد حداقل یک بار در زندگی خود دست به انتخاب می‌زنند. امروزه، ما این اهمیت را، میان سایر دانشمندان و محققان از جمله روانشناسان و مشاوران، شاهد هستیم (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۱، ۱۹۶۶، رایس، ۱۹۹۷، دای^۲، ۲۰۰۳).

زندگی مشترک با این باور که تنها مرگ می‌تواند ما را از هم جدا کند. و زوج‌ها، حداقل در آغاز زندگی مشترک خود، نسبت به آن اعتقاد کامل دارند، اما واقعیت چیز دیگری است، زندگی مشترک از عوامل متعددی متأثر می‌شود که پاره‌ای از آنها ممکن است زوج‌ها را به طرف اختلاف و درگیری، جدائی روانی و حتی طلاق سوق دهد. تحقیقات مختلف نشان داده است که از مهمترین عوامل مسئله ساز، در ارتباط، یا به عبارتی در فرایند تفهیم و تفاهم

1. Goldenberg
2. car ,day

اختلال است. به عنوان مثال در گزارشی که آژانس مشاوره خانواده در سال ۱۹۷۰ تهیه کرده است، ۸۷ درصد از زوجهای شرکت کننده در پژوهش نشان دادند که مسئله اصلی آنها در ارتباط با دیگری است (جکوبسون^۱، والدرون^۲ و مور^۳، ۱۹۸۰). افرادی که در این حیطه مهارت دارند عبارت هستند از: جرال د پترسون، ریچارد استوارت، نورمن اپستین، نیل جاکوبسون، آلبرت ایس، آرون بک، دیوید برنز، فینچام، دونالد مایکن بام... (سیف و بهاری، ۱۳۸۳). در نظر شناختی رفتارها افکار اتوماتیک و طرحواره‌های ذهنی در بروز این اختلالات نقش زیادی دارند. از دیدگاه منطقی - عقلانی ایس نیز علت‌های اکثر مسائل رفتاری و تعارضات بین فردی از جمله تعارض زناشویی، با باورهای غیر منطقی فرد مرتبط است (فرح بخش، ۱۳۸۴). برای درمان تعارضات زناشویی بهترین راه، کار کردن درباره باورهای غیر منطقی و تغییر دادن آنهاست. در این پژوهش سعی شده این باورها شناسایی شود که در واقع همانند یک اسطوره بر زندگی زوجها سایه انداخته اند (لازاروس^۴، ۲۰۰۴). اسطوره‌هایی که اینجا بررسی می‌شوند، اسطوره‌هایی هستند که در میان زوجها شایعترین هستند. البته، اسطوره‌های بی‌شماری وجود دارد که محقق همه آنها را بررسی نکرده است و بیشتر آن دسته از باورهای غلطی را بررسی کرده است که ناسازگاری زناشویی و ایجاد اختلال در کارکرد خانواده می‌شوند.

باورهای ارتباطی غیرمنطقی از نظر اپستین و ایدلسون

فهرست باورهایی که ایدلسون و اپستین^۵ بررسی کرده‌اند به شرح ذیل است:

۱ - باور به تخریب‌کنندگی مخالفت^۶، به معنای نپذیرفتن، ناراحتی و تفسیر منفی اختلاف نظرهاست.

۲ - باور به تغییرناپذیری همسر^۷، اعتقاد به نداشتن توانایی همسر در تغییر رفتارها و تکرار شدن آنها در آینده است.

1. Jacobson
2. Waldron
3. Moore
4. Lazarus
5. Eidelson & Epstein
6. Disagreement is destructive
7. Partner cannot change

۳- توقع ذهن خوانی^۱، انتظار اینکه بدون نیاز به گفتن و اظهار نظر کردن، فرد باید احساسات، افکار و نیازهای همسر خود را بداند.

۴- کمال گرایی جنسی^۲، انتظار از همسر در ایجاد رابطه جنسی تام و تمام در همه موقعیت‌ها بدون توجه به وضعیت او.

۵- باور در باره تفاوت‌های جنسیتی^۳، نداشتن درک صحیح از تفاوت‌های شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد، به صورت انتظار یکسان داشتن، یا تفاوت‌های مادرزادی را علت اختلافات دانستن می‌باشد.

تمرکز اغلب الگوهای آسیب شناسی بر فردی است که کارکرد روانشناختی وی آسیب دیده و یا مختل شده است، اما امروزه، با گسترش نظریه‌های سیستمی، فرد در بافت روابط و تعاملات بین اعضای خانواده بررسی می‌شود و به نظر می‌رسد که این دیدگاه جامع‌نگرتر باشد. خانواده بدون شک مهمترین سازمانی است که بستر ساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی کودک و عامل رسیدن وی به تعادل (فیزیکی، روانی و اجتماعی) است (وود^۴، ۱۹۹۶).

خانواده، این سیستم اجتماعی کامل (مارتین و مارتین^۵ ۲۰۰۰) با ایجاد پیوندهای عاطفی و مراقبتی قوی، اعضا را کنار یکدیگر نگه می‌دارد. در این سیستم، اعضای خانواده کنترل، تأیید و اختلاف عقیده داشتن با یکدیگر را تمرین می‌کنند. در بخشی از این تعامل، هر خانواده یک ساختار دارد که می‌تواند کارآمد یا ناکارآمد، بی‌نظم و آشفته یا خشک و انعطاف‌ناپذیر باشد. وجود چنین سازمانی در خانواده کمک می‌کند تا در این چارچوب زمانی و تحولی، خانواده به اهداف خود دست یافته و بقای خود را به عنوان یک واحد اجتماعی حفظ کند (مارتین و مارتین، ۲۰۰۰).

پژوهش مؤمن زاده (۱۳۸۱) نشان داد که ارتباط منفی و معنی‌داری بین تفکرات غیرمنطقی به جز تفکرات بدون کنترل هیجانانگیز و کمال طلبی و سازگاری زناشویی وجود دارد و همچنین بین الگوهای دلبستگی و سازگاری زناشویی ارتباط معنی‌داری مشاهده شد و بین تفکرات توقع بیش از حد، واکنش نومیدی، دلوپسی اضطرابی، اجتناب از مشکلات، درماندگی نسبت به

1. Mind reading is expected
2. Sexual perfectionism
3. The sexes are different
4. Wood
5. Martin & Martin

تغییر خویشتن و کمال طلبی در الگوهای مختلف دلبستگی، تفاوت معنی‌دار و مثبتی وجود داشت.

تئوری اولسون

کارکرد خانواده پدیده‌ای بسیار پیچیده است که به شیوه‌های مختلف سنجش و ارزیابی می‌شود (ایدلسون، اپستاین، ۱۹۸۲). به طور کلی، این پدیده به کیفیت زندگی خانواده در سطح سیستمی یا روابط دوتایی اشاره دارد و به نمونه‌هایی از قبیل سلامت، شایستگی‌ها، کفایتها، ضعفها و قدرتهای نظام خانواده بر می‌گردد (شک، ۲۰۰۲a). پیوستگی، انعطاف پذیری و ارتباط ابعاد اساسی الگو را شامل می‌شوند.

به میزان تغییر در رهبری، روابط نقشها و قوانین ارتباطی، انعطاف پذیری گفته می‌شود (اولسون، ۲۰۰۰). مفاهیم اختصاصی عبارتند از: رهبری (کنترل، انضباط) سبکهای مذاکره، روابط نقشها و قوانین ارتباط، در واقع نکته اساسی در انعطاف پذیری این است که نظامها چگونه بین تعادل و تغییر، تعادل می‌یابند. این بعد قبلاً سازش پذیری نام داشته که تغییر واژه انعکاسی تغییر مفهومی آن می‌باشد (اولسون، ۱۹۹۶). چهار سطح انعطاف پذیری عبارتند از انعطاف پذیری خیلی پایین، ساخت یافته (پایین تا متوسط)، انعطاف پذیر (متوسط تا بالا) و بی نظم (بسیار بالا) می‌باشد. پیوستگی، پیوند عاطفی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر است. (اولسون، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶، ۲۰۰۰). بر طبق این الگوها بسیاری از متغیرها یا مفاهیم خاصی که برای سنجش و تشخیص پیوستگی خانواده از آنها استفاده می‌شوند، پیوند عاطفی، مرزها، اتحادها، زمان، فضا، دوستان، شیوه تصمیم گیری، علایق و واکنشها را شامل می‌شود. تعادل در این سازه زمانی فراهم می‌شود که نظام خانواده در حد فاصل جدایی و با هم بودن قرار می‌گیرد. پیوستگی چهار سطح متفاوت را در بر می‌گیرد که عبارت از رها شده (خیلی پایین)، جدا شده (پایین تا متوسط)، پیوسته (متوسط تا بالا) و در هم تنیده (خیلی بالا) می‌باشد. فرض بر این است که کنش مطلوب و بهینه یک سیستم با سطوح متعادل و مرکزی پیوستگی (جدا شده و پیوسته) همراهی می‌شود. سطوح نامتعادل یا افراطی و گسسته و در هم تنیده عموماً در روابط مسئله ساز خانواده‌ها طی مدت زمان طولانی مشاهده می‌شود (اولسون و همکاران، ۱۹۸۵، ۱۹۸۹، ۲۰۰۰).

بعد سوم در این الگو، ارتباط است که یک بعد تسهیل‌گر می‌باشد و اهمیت آن، از جهت کمک به حرکت و جابجایی، در دو بعد دیگر است. برای ارزیابی این بعد مهارتهایی از قبیل: شنیدن، صحبت کردن، خودافشاگری، شفافیت، احترام و توجه به یکدیگر باید مد نظر قرار گیرد (اولسون، ۲۰۰۰).

مهارتهای شنیدن به همدلی و گوش دادن دقیق اشاره دارد و مهارتهای صحبت کردن، گفتگو با فرد مورد نظر و همزمان با خودافشاگری و احساسات مشترک درباره خود و روابط، مرتبط می‌شود. تعقیب یا دنبال کردن عبارت است از: ماندن در یک موضوع و احترام و توجه به جنبه‌های مؤثر ارتباط و مهارتهای حل مسأله در زوجها یا خانواده. خانواده‌های متعادل نقاط قوت و توانایی بیشتری داشته، ارتباط با فرزندان و بخصوص نوجوانان دارند و از طرف دیگر مجهز به مهارتهای حل تعارض بوده و لذا رضایت بالاتری از زندگی دارند. بنابراین، این نقاط قوت به خانواده، قدرت مقاومت در برابر حوادث استرس‌زا می‌دهد و آنها بهتر با استرسها و نیز تغییرات کنار می‌آیند و در نتیجه همانند یک عامل پیشگیرانه، کارکرد خانواده را حفظ می‌کند.

بهفر (۱۳۸۲) اثرات کارکرد خانواده در بروز اختلالات روانی در نوجوانان شهر تهران بررسی کرد. نتایج تحقیقات او نشان داد که سازه نقشها در خانواده پیش بینی کننده مناسبی برای اختلالات روانی نوجوان می‌باشد. این مطالعه نشان می‌دهد، زمانی که در خانواده مسئولیت‌های هر یک از اعضا و قوانین حاکم بر محیط خانواده روشن و مناسب نباشد و پیوندی منسجم و محکم عاطفی بین اعضا وجود نداشته و خانواده نتواند کارکردهای خود را به صورت صحیح به اجرا درآورد، در آن صورت احتمال بروز بیماری و اختلال روانی افزایش می‌یابد.

در مطالعه‌ای دیگر بهفر (۱۳۸۲) تأثیر کارکرد خانواده بر اختلالات درون ریزی دختران نوجوان و نیز را بررسی کارکرد خانواده در خانواده‌های آسیب دیده اعتیاد، تک والد، طلاق و خانواده‌های عادی را مقایسه کرده است. او مطالعه خود را بر ۳۳۴ دختر نوجوان در محدوده سنی ۱۸ - ۱۴ انجام داد. نتایج بدست آمده از این تحقیق حاکی از این است که بین پیوستگی و رضایت از سازش پذیری و عضویت در گروههای بهنجار بودن ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

در پژوهشی دیگر مظاهری (۱۳۸۱) که با هدف تأکید بر تأثیر آموزش مهارتهای شناختی

زندگی زناشویی در تغییر باورهای ارتباطی دانشجویان طراحی و اجرا شد، نتایج پژوهش نشان داد که باورهای غیرمنطقی ارتباطی به طور معنی‌داری با آموزش کاهش پیدا می‌کنند. ادراکات زن و شوهر و برداشتهایی که آنها از زندگی خانوادگی خود داشته اند در سازگاری زناشویی آنها مؤثر است و نیز تأثیراتی که زن از ادراکات و تجربیات خانواده خود می‌گیرد، مهم‌تر و بیشتر از مرد است. یعنی دخالت الگوهای قبلی در سازگاری زناشویی از ناحیه زن قوی‌تر است (سباتیلی^۱، ۲۰۰۳).

در واقع الگوهای ارتباطی تعاملات و سازگاری، از بین نسلها انتقال‌پذیر هستند و این انتقال در رشد اجتماعی و هیجانی کودکان نفوذ پذیر است (سباتیلی، ۲۰۰۳).

فینچام و برادبوری (۱۹۹۳) بیان می‌دارند که نگرشها و تفاسیری که زوجها از رفتارهای همدیگر دارند در سازگاری زناشویی آنها مؤثر است. همچنین در تحقیقی که وانتزتی^۲ و همکارانش در سال (۱۹۹۲) انجام دادند به این نتیجه گیری منجر شد که نگرشهای مثبت در رفتارهای هر یک از زوجها در امید به داشتن روابط زناشویی خوشایند در آینده تأثیر گذار است. آنها همچنین بیان می‌دارند که انتظارات مثبت در سازگاری زناشویی مثبت نیز نقش به سزایی دارد. پیش فرضهای زوجها در زمینه ماهیت زن و مرد و توانایی افراد برای تغییر دادن و تحول در عملکرد زناشویی آنها نیز مؤثر است. به عنوان مثال ایدلسون و اپستاین (۱۹۸۲) طرح کردند که عده فراوانی از مردم معتقدند که همسران آنها تغییر نمی‌کنند و یا تغییر تخریب کننده است و باعث می‌شود که روابط آنها مخدوش شود. و این خود، بر هم زدن ارتباط و احتیاج به درمان را موجب می‌شود. همچنین هر یک از زوجها برای همسر خود یکسری ملاکها و انتظاراتی را در نظر دارند که اجرا نکردن این انتظارات و یا رعایت نکردن این ملاکها باعث پایین آمدن سطح رضایت مندی زناشویی شده و روابط بین زوجها شروع به تیرگی می‌کند (ویرکلر^۳، ۱۹۹۸).

طی چندین دهه گذشته، نظریه و تحقیقات شناختی _ رفتاری نقش انواع شناختها را در افرادی بررسی کرده‌اند که سازگاری یا نابسامانی زناشویی را تجربه می‌کنند. چندین مطالعه به بررسی اسنادهای زن و شوهرها به وقایع مثبت و منفی پرداخته‌اند. در حالیکه مطالعات دیگر

1. Sabatelli

2. Vantzetti

3. Virkler

نقش انواع گوناگون سازه‌های پردازش اطلاعات، نظیر توجه انتخابی، انتظارات، مفروضه‌ها و ضوابط و استانداردها را بررسی کرده‌اند. در تحقیقی آیزنبرگ و زینگل (۱۹۷۵) به این نتیجه رسیدند که افرادی که دچار مشکلات ازدواج هستند بیشتر از افرادی که این مشکلات را ندارند، افکار غیر منطقی بروز می‌دهند. سیف (۱۳۸۳) به نقل از دبورد و رومانس (۱۹۹۶) در این باره می‌نویسند، تا این تاریخ، اکثریت تحقیقات درباره متغیرهای شناختی در تعامل زناشویی بر فرایند اسنادی متمرکز بوده‌اند، با این حال به عقیده اپستین ۱۹۸۶ نافذترین و پایدارترین متغیرهای شناختی که در ناراحتی زناشویی نهفته می‌باشند، باورهای افراطی درباره خود شخص، شریک زندگی و ماهیت تعاملات زناشویی است. سایر صاحب‌نظران نیز نشان دادند که متکی شدن به ضوابط یا باورهای غیر واقعی از طرف یکی یا هر دو شریک زندگی احتمالاً ناراحتی و نارضایتی از زناشویی را موجب می‌شود (سیف، بهاری ۱۳۸۳ به نقل از ایس، هارپر، ۱۹۷۵، اپستین، ایدلسون، ۱۹۸۱). دبورد و رومانس ۱۹۹۶ نیز در مطالعه‌ای به سازگاری دوتایی را بر طبق باورهای عمومی و باورهای غیر عقلانی مختص رابطه پیش‌بینی کردند. آنها در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که مردان به طور معنی‌داری در پرسشنامه باورهای مختص رابطه، نمرات بالاتری نسبت به زنان می‌گیرند، $p < 0/99$ همین‌طور یافته‌های این تحقیق نشان داد که باورهای غیر منطقی مختص رابطه نسبت به باورهای غیر منطقی عمومی واریانس بیشتری را در سازگاری زناشویی (دوتایی) به خود اختصاص می‌دهند و نیز به‌رغم اینکه آزمون باورهای غیر منطقی و پرسشنامه باورهای مختص رابطه با یکدیگر همبستگی معنادار و مثبتی دارند، اما آنها با مقیاسهای سازگاری زناشویی همبستگی منفی دارند. به تعبیری وقتی میزان اتکا به باورهای غیر منطقی افزایش می‌یابد، میزان سازگاری زناشویی کاهش می‌یابد، اما وقتی میزان اتکاء به باورهای غیر منطقی مختص رابطه افزایش می‌یابد، میزان سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد؟! (بهاری، سیف، ۱۳۸۳).

دبورد و رومانس (۱۹۹۶) بر اساس یافته‌های خود چنین ادعا می‌کنند که اتکاء زیاد به باورهای غیر عقلانی مختص رابطه در کسانی پیدا می‌شود که در ازدواج خود نسبتاً ناخشنود هستند. هر چند که همبستگی منفی مورد انتظار بین باورهای غیر عقلانی عمومی با سازگاری زناشویی به دست نیامد. اما همبستگی مثبتی بین اتکا به باورهای مختص رابطه و سازگاری زناشویی به دست آمد، یعنی هر چه زن و شوهر به باورهای ناکارساز مختص رابطه بیشتر تکیه

کنند، از ازدواج خود شادتر خواهند بود. به عبارتی اتکاء به باورهای غیر عقلانی یا ناکارساز مختص رابطه، در ازدواج‌های بسیار سازگار رایج تر از ازدواج‌های ناسازگار رایج تر است. آن‌ها بارها اشاره کرده‌اند که نتایج مطالعات آنها با نتایج مطالعات مشابه مغایر است. مطالعات بیرن و بلاپلوک (۱۹۶۳) و لوینگر و بریدلاو (۱۹۶۶) هر دو نشان داده‌اند که وقتی احساسات شخص نسبت به طرف مقابل تجربه خود، افزایش می‌یابد، آنگاه احتمال تحریف ادراکی بیشتر می‌شود. همین طور، دبور و رومانس (۱۹۹۶) در تبیین یافته‌های خود طرح کرده‌اند که شاید این یافته‌ها را بتوان تحت پدیده شناسایی شده اخیر مفهوم‌سازی کرد که به آن «واقع‌گرایی افسرده گونه» اطلاق می‌شود. (همان منبع).

روش تحقیق

نمونه تحقیق: جامعه آماری در این پژوهش کلیه زوج‌های را شامل می‌شود، که به علت اختلافات و ناسازگاری‌های زناشویی به مجتمع قضایی خانواده شماره ۱ واقع در شهر تهران جهت دادخواست طلاق مراجعه کرده‌اند. نمونه آماری در این تحقیق ۲۰۰ زوج (۱۰۰ زن و ۱۰۰ مرد) را شامل می‌شود.

ابزارهای اندازه‌گیری

مقیاس سازش‌پذیری و پیوستگی خانواده (ویرایش سوم)

این مقیاس بر اساس الگوی حلقوی پیچیده به منظور ارزیابی کنش‌وری و کارکرد خانواده ساخته شده که بر وجود سه بعد محوری در کارکرد خانواده، پیوستگی، سازش‌پذیری (انعطاف‌پذیری) و ارتباط، تأکید دارد و ابعاد پیوستگی و سازش‌پذیری را می‌سنجد. (اولسون و همکاران، ۱۹۸۵). (اولسون و همکاران، ۱۹۸۳، نقل از بهفر، ۱۳۸۲). ویرایش سوم این مقیاسها جدیدترین ویرایش این ابزار است، که برای ارزیابی کارکرد خانواده، طراحی شده و از کاربردی‌ترین مقیاس‌های استفاده شده برای اندازه‌گیری کارکرد خانواده است (مظاهری، ۱۳۸۱). این مقیاس در بیش از ۳۰۰ مطالعه برای ارزیابی کارکرد خانواده به کار برده شده است (بهفر، ۱۳۸۲).

این مقیاس ۲۰ عبارت را شامل می‌شود که ۱۰ عبارت آن بعد پیوستگی و ۱۰ عبارت

دیگر، بعد سازش پذیری را اندازه گیری می کند.

اعتبار و روایی آزمون

ضریب اعتبار بر اساس همسانی درونی برای پیوستگی ۰/۷۷، سازش پذیری ۰/۶۲ و کل مقیاس ۰/۶۸ می باشد. ضرایب اعتبار به شیوه بازآزمایی با فاصله ۵ - ۴ هفته برای این مقیاسها محاسبه شده که برای پیوستگی ۰/۸۳ و برای سازش پذیری ۰/۸۲ گزارش شده است (اولسون، ۱۹۸۶).

در ایران مقیاسهای ارزیابی سازش پذیری و پیوستگی خانواده (ویرایش سوم) را ثنایی و مظاهری (۱۳۸۱) جداگانه ترجمه کرده و در چند مطالعه به کار برده اند. بهنر (۱۳۸۲) نیز در مطالعه خود از این آزمون استفاده کرده که ضریب آلفای کرونباخ برای پیوستگی ۰/۷۷ و برای سازش پذیری ۰/۶۱ و برای کل مقیاس ۰/۷۲ است. در مطالعه حاضر اعتبار محاسبه شده و ضریب آلفای کرونباخ برای پیوستگی ۰/۸۷ و برای سازش پذیری ۰/۷۶ و برای کل مقیاس برابر با ۰/۹۰ است.

- سیاهه باورهای ارتباطی

این سیاهه، پرسشنامه ۴۰ سؤالی است که ایدلسون و اپستین (۱۹۸۱) برای اندازه گیری باورهای غیرمنطقی درباره روابط زناشویی ساخته اند و ۵ خرده مقیاس دارد، که عبارتند از:

- (۱) باور به تخریب کنندگی مخالفت به معنای نپذیرفتن، ناراحتی و تفسیر منفی اختلاف نظر است.
- (۲) باور به تغییرناپذیری همسر، اعتقاد به ناتوانی همسر در تغییر رفتارها و تکرار آنها در آینده است.
- (۳) توقع ذهن خوانی، انتظار اینکه بدون نیاز به گفتن و اظهارکردن، فرد باید احساسات، افکار و نیازهای همسر خود را بداند.
- (۴) کمال گرایی جنسیتی، انتظار از همسر که رابطه جنسی تام و کامل در همه موقعیتها، بدون توجه به وضعیت او، ایجاد کند.
- (۵) باور درباره تفاوت های جنسی نداشتن درک صحیح از تفاوت های شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد انتظار یکسان داشتن یا تفاوت های مادرزادی را علت اختلاف دانستن می باشد.

پنج باور ذکر شده که متغیرهای پیش‌بینی این پژوهش را شامل می‌شوند با سیاهه‌باورهای ارتباطی سنجیده می‌شود.

اعتبار و روایی آزمون

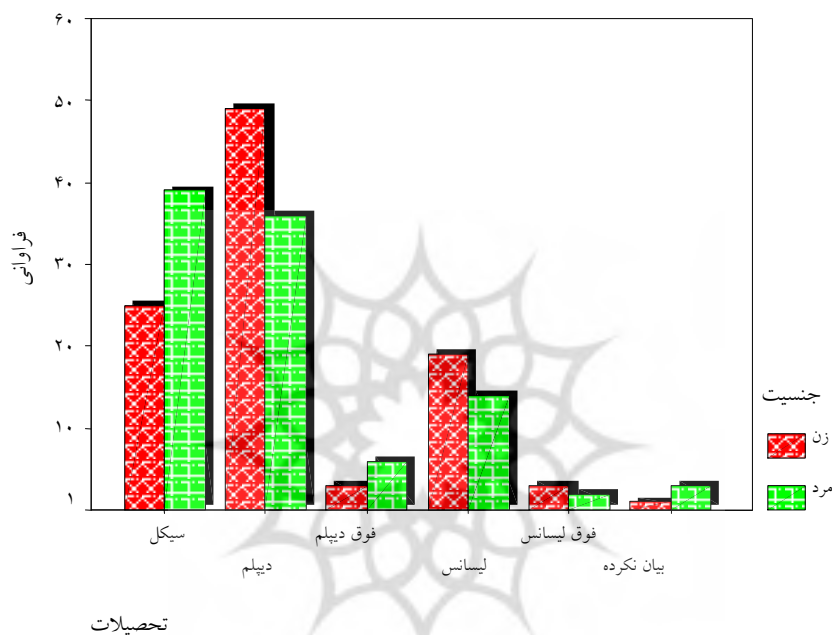
ضریب آلفای کرانباخ برای این مقیاس از ۷۲ تا ۸۱ درصد برآورد شده است و هر ۵ خرده مقیاس رابطه معناداری با مقیاسهای سازگاری زناشویی دارند (آلیری، ۱۹۸۷، به نقل از مظاهری، ۱۳۸۱). نسخه فارسی این ابزار را مظاهری و پور اعتماد (۱۳۸۵) مجدداً ترجمه کرده‌اند. در پژوهشی هم که مظاهری استفاده کرده آلفای کرانباخ محاسبه شده، ۰/۷۵ است.



نتایج

ابتدا داده‌ها را به شیوه توصیفی و سپس استنباطی بررسی می‌کنیم.

نمودار ۱: سطوح تحصیلات آزمودنیها با توجه به جنسیت



جدول ۱: میانگین سن آزمودنیها بر اساس جنس

فرآوانی	انحراف استاندارد	حداکثر سن	حداقل سن	میانگین	جنسیت
۱۰۰	۷/۷۸	۴۸	۱۶	۲۶/۲۳	زن
۱۰۰	۱۰/۷۲	۵۱	۱۹	۲۸/۹۲	مرد
۲۰۰	۹/۴۴	۵۱	۱۶	۲۷/۵۷	کل

بر اساس جدول ۱ میانگین سن آزمودنیها به طور کل ۲۷/۵۷ بوده که از تعداد ۲۰۰ نفر آزمودنی ۱۰۰ نفر زن و میانگین آنها ۲۶/۲۳ و ۱۰۰ نفر دیگر مرد بوده که میانگین سن آنها ۲۸/۹۲ بوده است. حداقل سن آزمودنیهای زن ۱۶ و حداکثر ۴۸ بوده و برای مردان حداقل سن ۱۹ سال و حداکثر سن ۵۱ سال بوده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد کل آزمودنیها در آزمون باورهای ارتباطی

خرده مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	فروانی
تخریب کنندگی مخالفت	۲۲/۴۱	۶/۵۰	۲۰۰
توقع ذهن خوانی	۲۳/۲۷	۴/۸۸	۲۰۰
نا تغییر پذیری زوج	۱۹/۶۶	۶/۱۸	۲۰۰
کمال گرایی جنسی	۲۰/۸۵	۵/۲۹	۲۰۰
تفاوت‌های جنسیتی	۲۰/۶۴	۵/۰۳	۲۰۰

با توجه به جدول ۲ میانگین آزمودنیها به طور کل بدون تفکیک جنسیت در هر خرده آزمون به شرح ذیل است:

تخریب کنندگی مخالفت، ۲۲/۴۱، توقع ذهن خوانی، ۲۳/۲۷، تغییر ناپذیری زوج، ۱۹/۶۶، کمال گرایی جنسی، ۲۰/۸۵، تفاوت‌های جنسیتی، ۲۰/۶۴.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد آزمودنیها در مقیاس پیوستگی در تست کارکرد خانواده بر حسب جنسیت و کل زوجها

نام تست و جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	فروانی
پیوستگی واقعی زنان	۲۴/۰۴	۱۰/۲۸	۱۰۰
پیوستگی واقعی مردان	۲۸/۴۱	۱۰/۰۵	۱۰۰
پیوستگی کل	۲۳/۲۶	۱۰/۳۷	۲۰۰

جدول ۳ این نکته را نشان می‌دهد که میانگین پیوستگی زنان در این تست برابر با ۲۴/۰۴ بوده و در مردان برابر با ۲۸/۴۱ می‌باشد. به طور کل بدون در نظر گرفتن جنسیت آزمودنیها میانگین برابر با ۲۶/۲۳ است.

جدول ۴: میانگین و انحراف استاندارد آزمودنیها در مقیاس سازش پذیری در تست کارکرد خانواده بر حسب جنسیت و کل زوجها

نام تست و جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	فروانی
سازش پذیری زنان	۲۳/۵۸	۸/۸۶	۱۰۰
سازش پذیری مردان	۲۶/۵۸	۷/۳۶	۱۰۰
سازش پذیری کل	۲۵/۰۵	۸/۲۶	۲۰۰

طبق جدول ۴ میانگین زنان در بعد سازش پذیری برابر با ۵۸/۲۳ و میانگین نمره مردان، ۲۶/۵۸ و میانگین کل آزمودنیهای زن و مرد برابر با ۲۵/۰۵ است.

جدول ۵: همبستگی بین سازش پذیری، پیوستگی با نمره‌های کل باورهای ارتباطی

ردیف	مقیاسها	۱	۲	۳
۱	باورهای ارتباطی کل			
۲	پیوستگی کل	-/۰۵۲		
۳	سازش پذیری کل	-/۰۳۳	۰/۷۸۷***	

** همبستگی در سطح $P < 0/01$ آزمون یکسویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $P < 0/05$ آزمون یکسویه معنا دار است.

همانطور که از جدول استنباط می‌شود متغیرهای باورهای ارتباطی با پیوستگی و سازش پذیری ارتباط معکوس دارد، اما معنی دار نیست. این ارتباط بسیار کم و ناچیز است. با توجه به جدول، بین متغیرهای سازش پذیری و پیوستگی در سطح $P < 0/01$ ارتباط مستقیم و معنی داری وجود دارد.

بررسی بین باورهای ارتباطی و پیوستگی ساختار خانواده

برای بررسی این مسأله ابتدا بدون در نظر گرفتن جنسیت رابطه بین متغیرها را بررسی کردیم و در مراحل بعد متغیر جنسیت را نیز مداخله دادیم. آنچه که از یافته‌ها حاصل شد، نشانه این نکته است که بین باورهای ارتباطی و پیوستگی مردان رابطه معنی داری در سطح $p < 0/01$ وجود دارد. اما بین پیوستگی زنان و باورهای ارتباطی رابطه معنی داری وجود ندارد فقط در دو خرده مقیاس تغییر ناپذیری همسر و تفاوت‌های جنسیتی، متغیر پیوستگی زنان معنا دار بود، آن هم در سطح $p < 0/05$ است.

پیوستگی مردان با دو خرده مقیاس تغییر ناپذیری همسر و کمال گرایی جنسی نیز رابطه معنی دار معکوسی داشت.

جدول ۶: همبستگی بین عوامل باورهای ارتباطی و نمره کل زنان با پیوستگی و ساختار خانواده

مقیاس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱ باورهای ارتباطی زنان								
۲ تخریب‌کنندگی اختلاف	** ۰/۷۰۷							
۳ توقع نداشتن ذهن خوانی	** ۰/۶۲۰	** ۰/۳۱۴						
۴ تغییرناپذیری همسر	** ۰/۵۵۶	** ۰/۲۸۲	۰/۱۳۳					
۵ کمال‌گرایی جنسی	* ۰/۲۴۰	۰/۱۳۷	۰/۰۲۴	-۰/۰۹۴				
۶ تفاوت‌های جنسیتی	** ۰/۵۴۰	** ۰/۳۶۲	* ۰/۱۹۷	۰/۰۹۵	-۰/۱۲۵			
۷ پیوستگی زنان	۰/۰۴۱	-۰/۰۸۱	-۰/۰۴۷	-۰/۰۲۹	۰/۱۳۷	۰/۱۳۱		
۸ باورهای ارتباطی کل	** ۰/۹۶۲	** ۰/۶۵۱	** ۰/۵۹۴	** ۰/۵۲۶	** ۰/۳۱۹	** ۰/۴۷۱	-۰/۰۷۰	
۹ پیوستگی کل	۰/۰۴۰	۰/۰۵۵	-۰/۰۱۱	* -۰/۰۲۰	۰/۰۹۳	* ۰/۲۰۷	** ۰/۸۰۴	-۰/۰۵۲

** همبستگی در سطح $P < ۰/۰۱$ آزمون یک سویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $P < ۰/۰۵$ آزمون یک سویه معنادار است.

در بعد پیوستگی کل، این متغیر با خرده مقیاسهای باورهای زنان، فقط در دو بعد تغییر ناپذیری همسر و تفاوت‌های جنسیتی، تفاوت معنی داری، آن هم در سطح $P < 0/05$ مشاهده شد، اما بین کل باورهای ارتباطی زنان و پیوستگی زنان ارتباط معناداری مشاهده نشد. بین پیوستگی زنان و باور ارتباطی زنان مقیاس تغییر ناپذیری همسر نیز در سطح $P < 0/05$ رابطه یا همبستگی معنادار معکوس مشاهده شد.

جدول ۷: تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام پیوستگی ساختار خانواده با خرده مقیاسهای تغییر ناپذیری و تفاوت‌های جنسیتی زنان

عاملها	ضریب رگرسیون در نمونه B	ضریب ثابت constant	ضریب تعیین میزان نحراف معیار Beta	خطای استاندارد Stand.Error	همبستگی R	سطح معنی داری Sign
۱ باور ارتباطی تفاوت جنسیتی در زنان	0/427	15/006	0/207	4/429	a 0/207	0/039
۲ باور ارتباطی تفاوت جنسیتی در زنان	0/471	21/949	0/228	5/278	b 0/304	0/02
باور ارتباطی عدم تغییر ناپذیری در زنان	0/383		-0/224			

متغیر پیش بین: خرده مقیاسهای باور تفاوت‌های جنسیتی زنان و تغییر ناپذیری همسر.

متغیر ملاک: پیوستگی کل

با توجه به جدول (۷) مشاهده می‌شود که، هنگامی که فقط عامل اول یعنی تفاوت‌های جنسیتی وارد می‌شود، میزان همبستگی به 0/304 افزایش می‌یابد. با توجه به ضرایب تعیین بتا عامل تفاوت‌های جنسیتی به تنهایی حدود ۲۰٪ تغییرات متغیر ملاک یعنی پیوستگی را پیش بینی می‌کند، اما هنگامی که متغیر بعدی یعنی اعتقاد به تغییر ناپذیری همسر اضافه می‌شود، این میزان به حدود ۲۳٪ افزایش می‌یابد. به علاوه معادله پیش بینی پیوستگی کلی از متغیرهای

تغییر ناپذیری همسر و تفاوت‌های جنسیتی زنان به شرح زیر است:

$$۲۱/۹۴۹ + (\text{نمره تغییر ناپذیری همسر}) - ۳۸۳ - (\text{نمره تفاوت‌های جنسیتی زنان}) \times ۰/۴۷۱ = \text{پیوستگی کل}$$

یعنی می‌توان گفت که با بیشتر از ۹۵٪ اطمینان دو عامل ذکر شده حدود ۲۳٪ از نمره

پیوستگی را پیش بینی و در نتیجه آزمودنی، در زمره خانواده‌های مشکل دار هستند.

جدول ۸: همبستگی بین عوامل باورهای ارتباطی مردان و پیوستگی آنها در بعد ساختار خانواده

مقیاس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱ باورهای ارتباطی مردان								
۲ تخریب کنندگی اختلاف	**							
۳ توقع نداشتن ذهن خوانی	**	**						
۴ نا تغییر پذیری همسر	*	**						
۵ کمال گرایی جنسی	*	*						
۶ تفاوت‌های جنسیتی	**	*	*					
۷ پیوستگی مردان	-/۰۸۸	-/۱۲۴	۰/۱۵۹	-/۴۰۱	۰/۲۱۷	۰/۰۳۷		
۸ باورهای ارتباطی کل	۰/۱۷۰	۰/۰۹۹	۰/۰۴۲	۰/۱۸۶	۰/۰۰۸	۰/۱۴۱	**	
۹ پیوستگی کل	-/۰۰۱	-/۰۴۴	۰/۱۲۰	-/۱۰۸	۰/۰۶۷	۰/۰۲۱	*	-/۰۵۲

** همبستگی در سطح $p < ۰/۰۱$ آزمون یکسویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $p < ۰/۰۵$ آزمون یکسویه معنادار است.

با توجه به ماتریس در بعد همبستگی بین پیوستگی مردان و باورهای ارتباطی مردان، بین دو خرده مقیاس تغییر پذیری همسر و کمال گرایی جنسی به ترتیب در سطح $p < 0/01$ و $p < 0/05$ همبستگی معکوس و مستقیم معناداری مشاهده شد. بنا بر ماتریس، بین پیوستگی کل و باورهای ارتباطی کل همبستگی معناداری مشاهده نشد. آنچه که به طور قطع از ماتریس مشاهده می شود می توان اینگونه استنباط کرد که با ۹۹٪ اطمینان می توان گفت که باور رابطه ای تغییر ناپذیری همسر در پیوستگی ساختار خانواده و با ۹۵٪ اطمینان باور رابطه ای کمال گرایی جنسی در پیوستگی ساختار خانواده دخالت دارد.

جدول ۹: تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام پیوستگی مردان با خرده مقیاسهای باورهای ارتباطی تغییر ناپذیری همسر و کمال گرایی جنسی

عامل	ضریب رگرسیون در نمونه B	ضریب ثابت constant	ضریب تعیین Beta	خطای استاندارد	R	سطح معنی داری
تغییر ناپذیری همسر در مردان	-/۶۵۸	۴۰/۶۳۱	-/۴۰۱	۲/۹۷۰	۰/۴۰	۰/۰۰

متغیر پیش بین: باور ارتباطی تغییر ناپذیری همسر

متغیر ملاک: پیوستگی مردان

با توجه به جدول ۹ نمره متغیر پیوستگی مردان فقط از متغیر تغییر ناپذیری همسر در مردان پیش بینی می شود. با توجه به اینکه بین پیوستگی مردان و کمال گرایی جنسی در مردان همبستگی معناداری مشاهده شد، اما در تحلیل رگرسیون گام به گام به دلیل همبستگی و ضریب بتای بسیار کم، از مرحله حذف شد و تجزیه و تحلیل بر مبنای متغیر تغییر ناپذیری همسر ادامه می یافت.

جدول ۱۰: همبستگی بین سازش‌پذیری زنان و خرده‌مقیاسهای باورهای ارتباطی زنان و باورهای ارتباطی کل

مقیاسها	همبستگی با سازش‌پذیری زنان
تخریب‌کنندگی اختلاف زنان	-/۰۸۱
توقع ذهن خوانی زنان	-/۰۴۷
تغییر ناپذیری همسر زنان	-/۰۲۹ *
کمال‌گرایی جنسی زنان	۰/۱۳۷
تفاوت‌های جنسیتی زنان	۰/۱۳۱
باورهای ارتباطی زنان	۰/۰۴۰
باورهای ارتباطی کل	۰/۰۷۰

** همبستگی در سطح $P < 0/01$ آزمون یکسویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $P < 0/05$ آزمون یکسویه معنادار است.

جدول ۱۱: همبستگی بین سازش‌پذیری مردان و خرده‌مقیاسهای باورهای ارتباطی مردان و باورهای ارتباطی کل

مقیاسها	همبستگی با سازش‌پذیری مردان
تخریب‌کنندگی اختلاف مردان	-/۱۳۳
توقع ذهن خوانی مردان	-/۱۴۲
تغییر ناپذیری همسر مردان	-/۳۰۳ **
کمال‌گرایی جنسی مردان	۰/۲۸۱ **
تفاوت‌های جنسیتی مردان	۰/۰۲۴
باورهای ارتباطی مردان	-/۰۴۱
باورهای ارتباطی کل	-/۱۳۹

** همبستگی در سطح $P < 0/01$ آزمون یکسویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $P < 0/05$ آزمون یکسویه معنادار است.

بررسی بین باورهای ارتباطی و سازش‌پذیری ساختار خانواده

برای بررسی این مسأله ابتدا به طور کلی رابطه متغیرها را بررسی کردیم، بعد رابطه آنها را بین سازش‌پذیری مردان و سازش‌پذیری زنان بررسی کردیم. با توجه به جدول بین باورهای ارتباطی و سازش‌پذیری به طور کل رابطه معنادارای

وجود نداشت. اما بین خرده مقیاس تغییر ناپذیری همسر و سازش پذیری زنان رابطه معناداری در جهت معکوس در سطح $P < 0/05$ مشاهده شد. (جدول ۱۰) بین باورهای ارتباطی و سازش پذیری مردان نیز در خرده مقیاسهای تغییر ناپذیری و کمال گرایی جنسی همبستگی معکوس و مستقیم در سطح $P < 0/01$ مشاهده شد، (جدول ۱۱) اما به طور کل بین باورهای ارتباطی و سازش پذیری مردان رابطه معنی داری مشاهده نشد.

جدول ۱۲: تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام سازش پذیری مردان از خرده مقیاسهای تغییر ناپذیری مردان و کمال گرایی جنسی آنها

عواملها	ضریب رگرسیون در نمونه B	ضریب ثابت constant	ضریب تعیین میزان انحراف معیار Beta	خطای استاندارد Stand.Error	همبستگی R	سطح معنی داری Sign
۱ تغییر ناپذیری مردان	-۳۶۵	۳۳/۳۱۰	-۳۰۳	۲/۲۶۳	a ۰/۳۰۳	۰/۰۲
۲ تغییر ناپذیری مردان	-۳۲۴	۲۵/۰۳۷	-۲۷۰	۲/۵۷۹	b ۰/۳۸۸	۰/۰۱
کمال گرایی جنسی مردان	۰/۳۵۸		۰/۲۴۴			

متغیر پیش بین: کمال گرایی جنسی و عدم تغییر پذیری همسر در مردان

متغیر ملاک: سازش پذیری مردان

ضریب همبستگی وقتی که مدل ۱ یعنی تغییر ناپذیری همسر در مردان در رگرسیون اعمال می شود با $R = 0/303$ برابر است، اما هنگامی که مدل دوم اعمال می شود، یعنی متغیر دیگری به نام کمال گرایی جنسی وارد می شود، ضریب همبستگی به $R = 0/388$ افزایش می یابد. با توجه به جدول معادله پیش بین عبارت است از:

$0/37 + 25(نمره تغییر ناپذیری مردان) - 324(نمره کمال گرایی جنسی) = 0/358$ سازش پذیری مردان

آنچه که از جدول استنباط می شود با احتمال تقریباً ۹۸٪ عامل تغییر ناپذیری همسر تا ۳۰٪. نمره سازش پذیری مردان را پیش بینی می کند، البته اگر عامل کمال گرایی جنسی او را همراهی کند. در غیر اینصورت او به تنهایی فقط ۲۷٪ از متغیر ملاک را می تواند پیش بینی کند.

جدول ۱۳: تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام سازگاری زناشویی زنان با خرده مقیاس عدم تغییر پذیری همسر در زنان

عامل	ضریب رگرسیون در نمونه B	ضریب ثابت constant	ضریب تعیین Beta	خطای استاندارد	R	سطح معنی داری
۱ - تغییر ناپذیری همسر در زنان	-۱/۳۷۰	۷۶/۵۴۹	۰/۳۴۳	۸/۱۵۶	۰/۳۴۳	۰/۰۰۰

متغیر پیش بین: باور ارتباطی تغییر ناپذیری همسر در زنان

متغیر ملاک: سازگاری زناشویی زنان

با توجه به جدول معادله پیش بین برای سازگاری زناشویی برابر با:

$$+۷۶/۵۴۹(\text{نمره تغییر ناپذیری همسر در زنان}) - ۱/۳۷۰ = \text{سازگاری زناشویی زنان}$$

با احتمال ۱۰۰٪ اینگونه از جدول استنباط می شود که به ازای یک انحراف معیار تغییر، متغیر تغییر ناپذیری همسر در زنان ۳۴٪ انحراف معیار، نمره سازگاری زنان تغییر می کند، البته عامل باورهای ارتباطی نیز در بین زنان در سازگاری زناشویی دخالت دارد که به دلیل تاثیر بسیار کم آن در رگرسیون قدم به قدم، جزء داده‌های حذفی محسوب شد. ضریب تعیین بتای باورهای ارتباطی زنان برابر با ۰/۰۴ = بود.

جدول ۱۴: تحلیل رگرسیون چندگانه سازگاری زناشویی مردان با خرده مقیاس تغییر ناپذیری همسر در مردان و تفاوت‌های جنسیتی در مردان

عامل	ضریب رگرسیون در نمونه B	ضریب ثابت constant	ضریب تعیین Beta	خطای استاندارد	R	سطح معنی داری
۱ - تغییر ناپذیری همسر در زنان	-۱/۳۷۰	۷۶/۵۴۹	۰/۳۴۳	۸/۱۵۶	۰/۳۴۳	۰/۰۰۰

متغیر پیش بین: باور ارتباطی تغییر ناپذیری همسر در مردان

متغیر ملاک: سازگاری زناشویی مردان

البته، متغیرهای دیگری مانند تفاوت‌های جنسیتی و نمره کل باورهای ارتباطی مردان در این همبستگی دخالت داشتند، ولی به دلیل تاثیر بسیار کم آنها از معادله رگرسیون گام به گام حذف شدند. بنابراین، با توجه به ضریب تعیین بتا یک انحراف معیار تغییر در متغیر تغییر ناپذیری همسر در مردان، ۰/۴۱ انحراف معیار تغییر در متغیر سازگاری زناشویی مردان را پیش بینی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی بین باورهای ارتباطی و پیوستگی ساختار خانواده

این مسأله همانطور که قبلاً بدان اشاره شد، هم بین آزمودنیهای زن و هم بین آزمودنیهای مرد بررسی شد. در بین آزمودنیهای زن بین پیوستگی و خرده مقیاس تغییر ناپذیری همسر و تفاوت‌های جنسیتی و در گروه مردان، بین خرده مقیاسهای تغییر ناپذیری همسر و کمال‌گرایی جنسیتی رابطه معنادار به ترتیب در سطوح $P < 0/05$ ، $P < 0/01$ مشاهده شد. به علاوه با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام مشاهده شد که در خرده مقیاس باورهای غیر منطقی رابطه، اعتقاد به عدم تغییر پذیری همسر و باورهای ارتباطی تفاوت‌های جنسیتی ۲۲٪ پیوستگی زنان در تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام مشخص شد که خرده مقیاس تغییر ناپذیری همسر در مردان ۴۰٪ از پیوستگی را پیش بینی می‌کند $P < 0/00$.

به عبارت دیگر در صورت یکسان بودن سایر عوامل، می‌توان پیوستگی نامتعادلی را برای زنان و مردان با نمرات بالا در این خرده مقیاسها پیش بینی کرد.

در خصوص تفسیر هر چه بیشتر این یافته‌ها می‌توان به یافته‌های (اولسون ۲۰۰۰) اشاره کرد. از آنجا که پیوستگی عبارت است از: پیوند عاطفی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر (حلقوی پیچیده) بسیاری از متغیرها یا مفاهیم خاصی که برای سنجش و تشخیص پیوستگی خانواده ارزیابی می‌شوند، عبارت هستند از: پیوند عاطفی، مرزها، اتحادها، زمان، فضا، دوستان، شیوه تصمیم‌گیری، علائق و واکنشها، این سازه در اصل به تعادل اعضای خانواده در حد فاصل جدایی و با هم بودن (اتفاق) زوج اختصاص می‌یابد. سطح متعادل این بعد - جدا شده و پیوسته - نامیده می‌شود و سطوح افراطی آن، گسسته (خیلی پایین)، در هم تنیده (خیلی بالا). افراد متعادل در عین استقلال، پیوستگی خود را با خانواده‌های خود حفظ

می‌کنند. هنگامی که سطوح پیوستگی خیلی بالاست (سیستمهای در هم تنیده) توافق و همراهی بسیار بالا و استقلال بسیار کم است. نوع دیگر این افراط (سیستمهای گسسته) خانواده‌هایی هستند که گرچه حوزه‌های شخصی خود را دارند، لیکن دلبستگی و تعهد آنها نسبت به خانواده بسیار پایین و ناچیز است. زوجها و خانواده‌های متعادل (نوع جدا شده و پیوسته) در طی چرخه زندگی کارآمدتر و مؤثرتر هستند به ویژه در یک رابطه جدا شده، گرچه جدایی عاطفی وجود دارد، اما به اندازه یک سیستم گسسته نیست، درحالی‌که مدت زمان جدا بودن مهم است. بخشی از زمان نیز به با هم بودن، تصمیم‌گیری مشترک و حمایت زناشویی اختصاص می‌یابد. فعالیتها و علایق گرچه جدای از هم است، اما بخش مشترک کوچکی نیز دارند (گپ گوردون، ۲۰۰۰) نیز در تحقیقی به این نکته نیز صحنه گذاشته است که همسو نبودن این فعالیتها و علائق و در واقع مدیریت نکردن این اختلافها که در اثر اختلاف جنسیت نیز ممکن است ایجاد شده باشد، و نیز شیوه حل مشکلات، آسیب شناسیهای بین فردی و خشونت‌های مشاهده شده که در اثر برهم خوردن رابطه بین زوجها ایجاد می‌شود در برهم خوردن و یا نامتعادل کردن پیوستگی زوجها دخالت دارد. و لذا پیامهای آن به صورت زوجها ناسازگار و طلاق ملموس هست.

از دید شناختی - رفتاریها نداشتن مهارتهای ارتباطی، و طرحواره‌های درست که به تشکیل باورهای غیر منطقی چه در بعد فردی و چه در بعد رابطه ای منجر می‌شود. مشاهده این حالات در میان والدین زوجها و ازدواج در سنین کم نیز برهم خوردن بعد عاطفی و صمیمیت زوجها را باعث شده و برای پیوستگی متعادل خانواده همچون خوره است. (گاتمن، ۲۰۰۵).

در ارتباطی پیوسته نزدیکی عاطفی و فداکاری وجود دارد، زمان با هم بودن بیش از تنهایی اهمیت دارد. تأکید عمده بر باهم بودن است. زوجها در حین داشتن دوستان جداگانه دوستان مشترکی نیز دارند. علایق مشترک همراه با فعالیتهای جداگانه در این سیستمها رایج است، اما در ارتباط درهم تنیده اعضای خانواده میزان نزدیکی و یگانگی عاطفی بسیار افراطی و فداکاری حاکم است. افراد بسیار وابسته به یکدیگر و نسبت به هم بسیار واکنش پذیر هستند. جدایی شخصی (حوزه‌های شخصی جداگانه) وجود ندارد (اولسون، ۲۰۰۰). داتیلیو (۲۰۰۵) نیز طرحواره‌ها و افکار اتوماتیک را در سازگاری زناشویی و کارکرد خانواده مؤثر دانسته است.

وجود تفاوت‌های جنسی در همه ابعاد زندگی پیامدهای خود را باقی می‌گذارند و از جمله در روابط زناشویی و عملکرد اعضای خانواده، احساس طرد شدگی و رهایی در زنان و گرفتاری و اسارت در مردان همواره از جمله مغشوشات ذهنی زوج‌های جوان بوده که به نحوی در کارآمدی زندگی آنها مؤثر بوده است (پارکر، ۱۹۹۸). استرید ۱۹۹۹ نیز در پژوهشی به این نتیجه رسید که جنسیت و سطح تحصیلات پیش بینی کننده‌های مناسب برای ادراکات زوج‌ها از یک خانواده ایده آل و وجود طرحواره‌ها و باورهای غیرمنطقی نیز بر هم زنده کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی هستند (فقیرپور، ۱۳۸۰، صادقی فرد، ۱۳۸۰، مؤمن زاده، ۱۳۸۱). در معنادار نبودن سایر خرده مقیاسها به فاکتورهایی نظیر جنسیت، سن شرکت کنندگان، شغل، سطح تحصیلات و نیز از همه مهم تر به فرهنگ افراد می‌توان اشاره کرد. از آنجا که این پرسشنامه‌ها مطابق با فرهنگ کشورهای اروپایی ساخته و با وجود اینکه در ایران استاندارد شده است، اما باز هم ممکن است عبارتهای پرسشنامه از نظر فرهنگی با آزمودنیها همخوانی نداشته است. کما اینکه این اختلاف در میان شرکت کنندگان اروپایی - آمریکایی و آفریقایی - آمریکایی بخصوص در بین باورهای رومانیتیک کاملاً مشهود بوده است. (ویور، گانونگ، ۲۰۰۴). در باره وجود ارتباط بین اعتقاد به تغییر نکردن همسر و پیوستگی در کارکرد خانواده، می‌توان به این نکته نیز استناد کرد که اتکاء به این اعتقاد باعث می‌شود همه راههای گذشت و اغماض بسته شود. فرصت دادن به دیگران برای جبران خطاها و اشتباهات می‌تواند آثار بخشودگی و در نهایت رضامندی خانواده و روابط زناشویی را فراهم کند.

عفو و بخشش در اصلاح افکار، احساسات و رفتار افراد مؤثر است و بهبود روابط با دیگران را سبب می‌شود. همچنین رابطه بین بخشش و سلامت روانی زوجها در تحقیقات متعدد از جمله (سیف، بهاری، ۱۳۸۳) به اثبات رسیده است. نتایج حاکی از این است که بین بخشش و سلامت روانی در زوجها رابطه معنی دار، بین مدت زمان ازدواج و میزان بخشش رابطه معکوس و همچنین بین سن و میزان بخشش زوجها رابطه معنی دار وجود دارد. از آنجا که سن اکثر شرکت کنندگان، جوان و ۲۸٪ آنها سال اول ازدواج خود را سپری کرده بودند؛ لذا، تحقق چنین نتیجه‌ای دور از انتظار نبود.

در خصوص معنی دار نبودن رابطه بین خرده مقیاسهای دیگر باورهای ارتباطی با پیوستگی در کارکرد خانواده می‌توان عوامل دیگر از قبیل، داشتن فرزند در سنین ۱۷ تا ۱۰ سال (یاها،

۲۰۰۲) مشکلات خلقی فرزندان و خود اعضا، از جمله افسرده بودن آنها (کاشانی و همکاران، ۱۹۹۵، نقل از بهفر، ۱۳۸۲) نیز اشاره کرد. میزان اتکاء به باورهای غیر منطقی در بعد فردی بیشتر از باورهای غیر منطقی مختص رابطه در عملکرد خانواده و از جمله کارکرد زناشویی دخیل است (سیف، بهاری (۱۳۸۳) نقل از ایدلسون، اپستین، ۱۹۸۱).

بررسی بین باورهای ارتباطی و سازش پذیری ساختار خانواده

این مسأله ابتدا در سطح جنسیتی و سپس به طور کل بررسی شد. در بررسی رابطه بین باورهای ارتباطی و بعد سازش پذیری زنان در خرده مقیاس تغییر ناپذیری همسر و در گروه مردان نیز در همین خرده مقیاس و خرده مقیاس کمال گرایی جنسی به ترتیب در $P < 0/05$ و $P < 0/01$ معنی دار بوده است.

سازش پذیری (انعطاف پذیری) خانواده عبارت است: از میزان تغییر در رهبری خانواده، روابط، نقشها و قوانین متعلق به ارتباط مفاهیم اختصاصی عبارت هستند از: رهبری (کنترل، انضباط) سبکهای مذاکره، روابط، نقشها و قوانین ارتباط. در واقع نکته اصلی انعطاف پذیری اینجاست که سیستمها چگونه بین ثبات و تغییر تعادل می یابند. چهار سطح آن عبارت هستند از: انعطاف نا پذیر (خیلی پایین)، ساخت یافته (پایین تا متوسط) انعطاف پذیر (متوسط تا بالا) آشفته (بسیار بالا). دو سطح آشفته و انعطاف ناپذیر مسئله ساز بوده و دو بعد دیگر متعادل هستند. قبلاً گرایش خانواده‌ها به انعطاف پذیری متمایل بود، اما طی سالهای اخیر اهمیت نیروی بالقوه یا پتانسیل برای تغییر کاهش پیدا کرد. زوجها و خانواده‌ها هم به ثبات، هم به تغییر نیازمند هستند و توانایی تغییر یافتن در زمانی مناسب، انجام می شود. که زوجها و خانواده‌های کارآمد را از زوجها و خانواده‌های ناکارآمد جدا می کند (اولسون، ۲۰۰۰).

یک ارتباط با نوعی سبک رهبری برابرنگر و رویکرد دموکراتیک برای تصمیم گیری، منعطف شناخته می شود، که در آن حلقه‌های مذاکره باز بوده؛ شرکت فعالانه بچه‌ها را می طلبد؛ نقشها مشترک هستند، تغییرات سیالی نیز به هنگام ضرورت انجام می شود، قوانین می توانند متناسب با سن تغییر کنند. سیستمهای نامتعادل، انعطاف ناپذیر و آشفته هستند. در ارتباط انعطاف ناپذیر یک نفر در راس قرار گرفته و به شدت کنترل کننده است، مذاکرات بسیار محدود و نقش‌ها به شدت تعریف شده است و ضمن اینکه رهبر به تنهایی بیشتر تصمیم‌ها را می گیرد

قوانین نمی‌توانند تغییر کنند. یک ارتباط آشفته با رهبری محدود و سرگردان و پیش‌بینی ناپذیر مشخص می‌شود. تصمیم‌ها تکانشی هستند و اصلاً سنجیده نیستند، نقشها نامشخص بوده و اغلب از شخصی به شخص دیگر تغییر می‌کنند. از جمله عواملی که در این افراطی بودن دخالت دارند، ویژگیهایی از قبیل فرهنگ، نژاد و سایر ویژگیهای فردی زوجها است (اولسون، ۲۰۰۰).

به دلیل ماهیت پویای مدل، تغییر در یکی از ابعاد پیوستگی یا سازش پذیری، اغلب به صورت موج، بر دیگری تاثیر می‌گذارد. در بعد پیوستگی مشکلات خانواده به این دلیل است که نمی‌توانند بین خود مختاری و با هم بودن (صمیمیت) تعادل یابند، در بعد انعطاف پذیری و یا سازش پذیری، این مسائل حول محور تعادل بین ثبات و تغییر می‌چرخد. این روابط با آشفتگی زیاد، بی‌نظم و زیاد انعطاف ناپذیر هستند. در نظامهای انعطاف ناپذیر، فهرست رفتاری بسیار محدود وجود دارد. هنگامی، که استرس بیشتر دارند اغلب بیشتر انعطاف ناپذیر می‌شوند. چنین خانواده‌هایی اغلب از برنامه‌هایی سود می‌برند که با آنها کمک می‌کند تا در تصمیم‌گیریها بیشتر به شیوه دموکراتیک رفتار کنند و نیز مهارتهای حل مسئله را بهتر بیاموزند. از طرف دیگر روابط آشفته و بی‌نظم نیاز به ساختار دارند و از شیوه‌های حل مسئله پیشرفته، استفاده لازم خواهند برد. افزایش مهارتهای مثبت در زوجها و خانواده‌ها می‌تواند فرایند تغییر را تسهیل کند. (اولسون، ۲۰۰۰). خانواده‌های مشکل دار، اغلب به این نیاز دارند که شیوه‌های ابراز وجود و بیان خواسته در میان خود را یاد بگیرند. برای دستیابی به این مهارت می‌توان چگونگی ابراز احساسات به شیوه سازنده و نیز گوش دادن و ارائه بازخورد همدلانه به یکدیگر را به آنها آموزش داد. گرچه مهارتهای ارتباطی پیشرفته در یک خانواده ضروری است، اما شرط کافی برای تغییر در ابعاد پیوستگی و انعطاف پذیری نیست.

مهارتهای ارتباطی می‌تواند میزان آگاهی افراد را در نیازها و اولویتهای کنونی خانواده افزایش دهند. تغییر در ابعاد پیوستگی و سازش پذیری دشوارتر است. داشتن مهارتهای ارتباطی خوب خانواده‌ها را قادر می‌سازد تا نوع روابط را به طور واضح و روشن بروز دهند که در هر یک از این ابعاد خواستار هستند (اولسون، ۲۰۰۰). نتیجه این تحقیق در معنا دار نبودن سایر خرده مقیاسهای باورهای ارتباطی، با سازش پذیری، با نتایج تحقیقات افرادی همچون (ایساک، ۲۰۰۴، والر، اسپیگلر، ۲۰۰۵، استراد، اچرواریا، ۱۹۹۹) همسو بوده است. او

همچنین ادعا می‌کند که تفاوت‌هایی در جنسیت، سن، عوامل بیولوژیک، سطح تحصیلات، شغل، تفکرات، ارزشها، شکل، سیستم معنایی و فلسفی و سبکهای ارتباطی زوجها در زندگی مشترک و کارکرد خانواده آنها نیز دخالت داشته و تاثیر گذار است.

سبکهای دلبستگی هر یک از زوجها (بارکر، ۱۹۹۸) تجربیات هیجانی (پلسما، مارو، ۲۰۰۳)، سن کم، پایین بودن مدت زمان زندگی مشترک زوجها با یکدیگر، (استنلی، مارکمن، ۲۰۰۵) صفات شخصیتی خاص، (بوچارد، ۱۹۹۹) و تجربیات و تأثیراتی که هر یک از زوجها از خانواده‌های اصلی خود به زندگی مشترک انتقال می‌دهند (سبائیلی، ۲۰۰۳) و همه این ویژگی‌ها در موفق بودن کارکرد خانواده دخالت دارند.



منابع

- اسودی، مریم، (۱۳۷۹). نقش تصورات قلبی جنسیتی، پایان نامه کارشناسی، مشهد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بارکر، فیلیپ، (۱۳۷۵). خانواده درمانی پایه، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی، تهران، رشد.
- بهر، زهرا، (۱۳۸۲). تأثیر کارکرد خانواده بر اختلالات درونریزی دختران نوجوان و مقایسه کارکرد خانواده‌های آسیب دیده و عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، مشهد؛ دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- سیف، سوسن و بهاری، (۱۳۸۳). بررسی ویژگیهای روانسنجی و پرسشنامه باورهای غیرمنطقی مختص رابطه، چاپ نشده، دانشگاه الزهراء.
- صادقی فرد، (۱۳۷۵). بررسی و مقایسه باورهای غیرمنطقی در زنان مراجعه کننده به دادگاههای عمومی با زنان عادی در شهرستان بندر عباس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فقیرپور، مقصود، (۱۳۸۵). نقش مهارتهای اجتماعی در سازگاری زناشویی و طراحی یک مدل آموزشی و ارزشیابی آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مظاهری، محمد علی، (۱۳۸۱). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش وری ازدواج، مجله روانشناسی، سال چهارم. شماره سوم.
- مومن زاده، فرید، (۱۳۸۱). ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای وابستگی با سازگاری زناشویی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهیدبهبشتی.
- وایزمن، بوریس، (۱۳۷۶). لوی استروس قدم اول، چاپ اول، ترجمه رحمانیان، شیرازه.
- وایلز، موریس، (۱۳۸۲). هفت آسمان، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، سال پنجم، شماره هجدهم.



- Bradbury, T. N & Fincham, F. D, (1993). Assessing dysfunctional cognition in marriage: A re consideration of the Relationship Belief inventory, *Psychological Assessment*, 5, 92-101
- Buchard, Lussier, Gehnirier, (2000). Personality and Marital adjustment: utility of five- factor model of personality. *Journal of marriage and the family*, 61 (3), 651-660.
- Dattilio, M. Frank, (2005). *Cognitive behavior strategies with couples and families*, Pennsylvania.
- Day, Ronald, (2003). *Introduction to family processes*, Landon, Luwerne, Erlbaum Association, Inc. publisher.
- Edelson, R. S & Epstein, No, (1982). Cognition and relationship maladjustment development of a measure of dysfunctional relationship beliefs, *Journal of counseling and clinical psychology*. 50, 715-720.
- Estrada, Diane, Echerrvarria, Silvia Rafuls, Peter, A. D, Sherrard, (1999). Perception of family of origin cohesion and Adoptability: Differences Between males and females, *Journal of feminist family therapy*. 11 (86).
- Goldenberg, Herbert: Goldeberg, Irene, (1996). *Family therapy An overview*, New York, Book Publishing company.
- Geler, E. R, (1993). Parents. Families, and couples, *Elementary counseling*, 27 (4), 243.
- Jacobson, N. S, Waldron, H & Moore, D, (1980). Toward a behavioral profile of marital distress, *Journal of counseling and clinical psychology*, 49, 269-277.
- Marian M. Morry, (2003). Perceived Locus of Control and Satisfaction in Same-sex friendships, *Journal relationships*, 10, 495-509.
- Olson, D.H, (2000), Circumplex model of marital and family systems, *Journal of family therapy*, 27(2). 144-167.
- Olson, David, H and Olson Amyk, (1999). *Preventive Approaches in Couples therapy*, Taylor, Francis Pub.
- Olson, D.H, Fournier, D and Druckman, J, (1986). Pre Pare minnea polis, Pre pare/ Enrich, *Jouranal of marital and family therapy*, (12).
- Olson, David and others, (1989). *Families what makes them work*, New York, Hamilton.
- Olson, David, Hand Olson Amyk, (1997) Enrich Canada, inc, *Journal of family ministry*, 11(4), 28-53.
- Olson, D-H, (1996). clinical assessment and treatment interventions using the family circumplex model. In F-W. Kaslow (ed), *Hand book of relational diagnosis on dysfunctional family Patterns* (59-79).
- Rice, Philips, (1997). *Intimate Relationships Marriage and family*.
- Sabatili, Ranald, M. Bartelet, (2003). Family -of-origin Experiences and adjustment in married couples and the family, 65(1).
- Schamaling, K.B. & Joacobson, N.S, (1990). Marital interaction and depression, *Journal of Abnormal psychology*, 99, 229-236.

- Shek, D.T.L, (2002a).family function and Psychological well-being school adjustment and Problem Behavior in Chinese adolescents with and without economic disadvantage, *Journal of Genetic psychology*, 163(4), 491-503.
- Stanley.M.Scatt, Markamn. Howard, J, (2005). Acting on what we Know: the hope of Prevention, <Web: coalition for mariage for marriage, family and couples Education.>
- Wirkler.I, (1998).*child and family assessment*, sEd. Routledge, Publishing co.
- Wood, B, (1996).*A developmentl biopsychosocial approach to the treatment of chronic illness in children and adolescents in R.*
- Yelsma, Paul, Marow, sherilyn, (2003). Ivamination of couples difficulties, *With Emotional Expressivness and their marital satisfaction*, 3(1).

